

مرگ چونگ کوروش بزرگ

منبع های ایرانی و هخامنشی درباره می مرگ کوروش شرحی روایت نکرده اند اما مورخان یونانی همچون «هرودوت»، «گزنوون»، «کتزیاس» و ... هر کدام مرگ کوروش را به گونه ای روایت کرده اند که در اینجا به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم:

هرودوت می نویسد، چگونگی درگذشت کوروش را که در لشکرکشی به سرزمین «ساساگت ها» یا همان «سکایی ها» به وقوع پیوسته است را به چند گونه بازگفته اند و او به نقل روایتی که بیش از سایر روایات به نظرش درست می رسد می پردازد. بنا بر نوشته هرودوت در آن زمان شهبانویی به نام «تومیریس» بر قبایل ماساگت ها فرمانروایی می کرده است که بیوه ای سابق پادشاه این سرزمین بوده است. کوروش به منظور این که بدون جنگ و خونریزی بر سرزمین ماساگت ها دست یابد، از وی در خواست همسری کرد اما «تومیریس» فهمید که طالب خود او نیست بلکه قصد دارد سرزمین های او را تصرف کند و از این رو در خواست کوروش را نپذیرفت. پس از آن کوروش تصمیم گرفت به سرزمین های تومیریس که در خاور دریایی خزر قرار داشت لشکرکشی کند.

کوروش بزرگ به منظور ورود به سرزمین ماساگت ها دستور داد قایق هایی را به یکدیگر بپیوندد و به وسیله ای آنها پلی بر روی رودخانه «سیحون» به وجود بیاورند و به منظور محفوظ نگه داشتن سپاهیانش از دستبرد دشمن، برج هایی روی قایق ها بسازند تا لشکریان بتوانند به آسانی و با امنیت از رود عبور کنند. هنگامی که تومیریس از اقدامات جنگی کوروش آگاه شد برای او پیامی به شرح زیر فرستاد: «ای پادشاه مادها، دست از این جنگجویی بردار و به فرمانروایی بر سرزمین خود خرسند باش و بگذار ما هم بر سرزمین خود حکومت رانیم. ولی چون می دانم به این اندرز گوش فرا نخواهی داد، به تو توصیه می کنم این کار بیهوده پل سازی را رها کن و بگذار سپاهیان ما از رود سیحون به مسافت سه روز راه به داخل سرزمین های ما دور شوند. آن وقت به سپاهیانست دستور بده آسوده از رود بگذرند تا درون خاک ما با یکدیگر نبرد کنیم و یا تو و سپاهیانت به مسافت سه روز راه به داخل خاک ایران عقب نشینی کن تا ما از رود بگذریم و در سرزمین تو با سپاهیانت بجنگیم.»

کوروش با سران سپاه خود در این باره مشورت کرد. همه معتقد بودند که بهتر است کوروش به داخل خاک ایران عقب بنشیند و به این وسیله سپاه ماساگت ها را به داخل خاک ایران کشانیده و آنها را نایبود کند. اما «کرزوس» پادشاه لیدی که پس از شکست از کوروش، مورد عفو و محبت و احترام او قرار گرفته بود و پیوسته در خدمت کوروش بود گفت به عقیده ای او بهتر است به سپاه ماساگت ها تکلیف شود داخل خاک خود عقب نشینی کنند سپس ما آنها را تعقیب خواهیم کرد و در محی خوارکی ها و نوشیدنی های لذید و گوارا می کذاریم و آنها به گروهی از مردانی که قادر نیستند در جنگ شرکت کنند می سپاریم. آن وقت آنها که به چنین خوارکی های لذیدی عادت ندارند آن قدر خواهند خورد که جنگ را از یاد ببرند. آنگاه ما به آنها حمله خواهیم کرد و آنان را از پای درخواهیم آورد.

کوروش رای کرزوس را پسندید و به تومیریس پیام فرستاد به خاک خود عقب نشینی کند و کرزوس را به کمبوجیه سپرد تا با نهایت احترام با او رفتار کند و هر دو را به ایران فرستاد و خود با سپاهیانش برای مقابله با ماساگت ها از رود سیحون عبور کرد. کوروش وارد خاک آنها شد و آنچه را که کرزوس به او توصیه کرده بود، انجام داد. در نتیجه سپاه ماساگت ها به محل تمرکز خوارکی ها و نوشیدنی ها رسیدند، نگهبانان پارسی را کشتن و آنقدر خوردن و آشامیدن که مست شدند. در این حال سپاهیان کوروش به آنها حمله کردند و گروهی از آنها را کشتن و جمعی را اسیر کردند. پسر تومیریس به نام «اسپرگپی سس» نیز بین

دستگیر شدگان بود. او از کوروش تقاضا کرد زنجیر از دست و پایش بگشایند و پس از این که درخواست او مورد پذیرش کوروش قرار گرفت و آزاد شد، دست به خودکشی زد.
هنگامی که تومیریس از مرگ فرزند و همچنین این که کوروش به سخنان او اعتنایی نکرده آگاه شد، کلیه‌ی سپاهیان خود را جمع آوری کرد و تصمیم گرفت جنگ بزرگی با کوروش بکند. جنگی که به این ترتیب بین سپاهیان کوروش و تومیریس انجام گرفت، یکی از شدیدترین نبردهای آن زمان بوده است. سرانجام ماساگت‌ها بر سپاهیان کوروش پیروز شدند و بر طبق نوشته‌ی هرودوت کوروش در این جنگ کشته شد.

بعضی از مورخان نوشته‌ی هرودوت را درباره‌ی سرانجام کوروش خالی از واقعیت می‌دانند. این احتمال وجود دارد که کوروش در قلب سرزمین ماساگت‌ها با کوهستان‌های سخت گزند و دشمنان نیرومند رویرو شده و از پای درآمده باشد اما افتدان سر او به دست تومیریس افسانه است زیرا ایرانی‌ها پیکر او را به پاسارگاد برندند و در آن جا دفن کردند.

آرامگاه کوروش بزرگ، پاسارگاد

«بروسوس» و «کتزیاس» درباره‌ی سرانجام کوروش شرح دیگری دارند. «بروسوس» نوشته است که کوروش با طایفه «داهه» جنگید و به دست آن‌ها و در میدان جنگ کشته شد. «کتزیاس» می‌نویسد کوروش با «آمرایوس» پادشاه قبایل «دریبیگی» وارد جنگ شد و چون گروهی از هندوها با فیل‌های بسیار به یاری «دریبیگی»‌ها آمده بودند، اگرچه سپاه کوروش مردانه در برابر جنگ‌گواران فیل‌سوار هندو سخت پایداری کرد اما سرانجام سپاه او شکست خورد و خود کوروش از اسب به پایین افتاد. در این هنگام یکی از هندوها با زویین زخمی بر ران او زد و سپاهیان کوروش او را از صحنه‌ی جنگ دور کردند. روز دوم جنگ، «آمورگس» پادشاه «اسکوتها» با بیست هزار نفر به یاری کوروش آمد و در جنگی که دوباره بین دریبیگی‌ها و سپاهیان کوروش درگرفت، سپاه کوروش پیروز شد و دریبیگی‌ها فرار کردند. پادشاه دریبیگی‌ها و دو پسرش نیز در جنگ کشته شدند. پس از جنگ، دریبیگی‌ها فرمانبردار ایران شدند اما کوروش بر اثر زخمی که به رانش اصابت کرده بود پس از سه روز درگذشت.

«دیودوروس» نوشته است شهبانوی ماساگت‌ها کوروش را دستگیر و به چهارمیخ کشیدند. «استرابو» و «ژوستینوس» به نقل از نوشته‌ی «تروگوس پومپیوس» شرحی شبیه به روایت هرودوت درباره‌ی مرگ کوروش نقل کرده‌اند.

روایت دیگری است که اصولاً مرگ کوروش بطور طبیعی اتفاق افتاده است. «گزلفون» می‌نویسد هنگامی که کوروش به سن سالخورده‌ی رسید، شبی خواب دید که سروشی به او گفت: «کوروش، زمان آن فرا رسیده است که آهنگ رفتن کنی و به خدایان پیوندی.» کوروش پس از بیداری به کوه‌ها رفت و بنا به آینین ایرانیان برای اهورامزا و خورشید و میترا و دیگر خدایان فربانی‌ها کرد و دگر روز، کمبوجیه فرزند بزرگش را جانشین خود ساخت و فرمانروای ارمنستان و «کادوسیان» را به «بردیه» فرزند کوچکترش سپرد. پس از آن دست پاران و فرزندانش را فشرد و به آرامی و آسودگی بدروع حیات گفت.

از آن چه درباره‌ی مرگ کوروش گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که قبایل گوناگون نیرومند و جنگجوی ماساگت‌ها که در شمال شرقی ایران زندگی می‌کردند با یکدیگر متحد شدند و کوروش، بنیان گذار تاریخ پادشاهی در ایران را در کوهستان‌های سخت گذر غافلگیر کردند و پس از وارد آوردن شکست به سپاهیان کوروش، او را هلاک کردند. اما سپاهیانش نگذاشتند جسدش به دست دشمن بیفتند بلکه آن را با خود به پارس برندند و پس از این که او را مومیایی کردند، در پاسارگاد به خاک سپرندند. پس از درگذشت کوروش، به طوری که از نوشته‌های تاریخ نویسان بر می‌آید، کمبوجیه به سرزمین ماساگت‌ها لشکرکشی کرد و به خونخواهی پدرش آن‌ها را فرمانبردار ایران کرد زیرا در روزگار داریوش بزرگ کلیه‌ی قبایل ماساگت‌ها فرمانبردار ایرانیان بوده اند.

